

یادداشت دبیر تخصصی مجله مطالعات حقوقی

فربرز ارغوانی پیرسلامی¹

حملات هوایی خردادماه 1404 از سوی اسرائیل به ایران و پیرو آن، مداخله ایالات متحده در هدف قرار دادن تأسیسات هسته‌ای، دومین تجاوز نظامی مهم به تمامیت سرزمینی ایران در دوران بعد از انقلاب اسلامی بود. اگرچه این تجاوز از نظر گستره و هزینه، قابل مقایسه با جنگ 8 ساله با عراق نیست؛ اما از نظر استراتژیک و موقعیت زمانی بدون تردید یکی از نقاط عطف در تاریخ جمهوری اسلامی به شمار می‌رود؛ چنانکه شناخت ابعاد، اهداف و نوع عملکرد طرفین منازعه به شکلی دقیق و عمیق و عملکرد بر مبنای این شناخت می‌توانست مانع از بسیاری از چالش‌های داخلی و به‌خصوص جلوگیری از حمله اخیر و مشترک آمریکا و اسرائیل در اسفندماه 1404 شود. به بیانی دیگر، تکرار الگوی حمله از جانب اسرائیل و آمریکا در ماه پایانی سال 1404 نشان می‌دهد که منازعه 12 روزه به شکلی دقیق موشکافی نشده و جنبه‌های سیاسی و حقوقی آن، مورد امعان نظر قرار نگرفته است.

صرف‌نظر از دلایل رخداد جنگ 12 روزه، این رویداد را می‌توان یک نقطه عطف در نظر گرفت؛ زیرا در عمل نشان داده شد که ظرفیت‌های سیاسی و دفاعی طرفین تا چه میزان بوده و امکان ابتکارات دیپلماتیک تا چه اندازه می‌توانست مانع از تکرار رخداد مشابه شود. همچنین در نسبت بین نظام سیاسی و جامعه، جنگ 12 روزه بهترین فرصت برای ترمیم شکاف‌ها، اصلاح روندها و تبدیل کردن غرور ملی به وحدت و انسجامی بود که می‌توانست فراتر از

1. دانشیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

ادوات نظامی، سرمایه نمادین و واقعی دولت - ملت در محیط داخلی و خارجی باشد؛ اما اصرار بر رویه‌های گذشته، عدم تحلیل و شناخت دقیق مسئله در بستر جامعه‌شناختی و حقوقی و در نهایت ضعف ابتکارات دیپلماتیک در محیط خارجی باعث شد تا این جنگ نه‌تنها پایان نیافته بلکه در حوزه‌های موضوعی و شکلی گسترده در اسفندماه 1404 آغاز و تداوم یابد؛ تحولی که به شکلی عجیب موجودیت و بقای نظام سیاسی و تمامیت ارضی در ایران را در معرض مخاطره قرار داد. در نسبت بین نتایج جنگ 12 روزه و پیامدهای آن تا پیش از تجاوز جدید در اسفندماه 1404 چند محور مهم قابل اشاره است:

- انسجام و وحدت ملی: با رخداد جنگ 12 روزه اگرچه اقشار عمده‌ای از جامعه از عملکرد دستگاهها و افراد مسئول انتقادهای فراوانی داشتند اما به‌سان تجاوزهای گذشته بخش عمده‌ای از جامعه این تجاوز خارجی را محکوم کرده و با آن همراه نشدند. پیرو این رفتار، انتظار جامعه آن بود که نظام سیاسی این نگاه را قدر دانسته و آن را مبنایی برای انسجام ملی و سرمایه مشروعیتی خود قرار دهد. این انتظار نه‌تنها محقق نشد بلکه عملکرد انتقادآمیز در حوزه‌های مختلف به‌خصوص حوزه اقتصادی و فقدان ابتکار برای رفع تحریم‌ها و تغییر جهت سیاست داخلی و خارجی سبب شد تا در ادامه، کشور شاهد حوادث تلخی باشد که بسترساز فضایی قطبی و آسیب جلدی به انسجام اجتماعی شود.

- فقدان ابتکار دیپلماتیک: بلافاصله بعد از جنگ 12 روزه مشخص شد که طرف‌های خارجی برنامه‌ای منسجم جهت افزایش فشار به نظام سیاسی را طراحی کرده‌اند. نقطه آغاز این فشار تلاش برای احیای مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی بود. در این زمان انتظار بر این بود که نظام سیاسی با درک شرایط دشوار و احتمال بالای برنامه‌ریزی برای ایجاد منازعه‌ای جدید با ابتکارات دیپلماتیک خیلی زود مانع از بازگشت تحریم‌های بین‌المللی شوند. نه‌تنها این اقدام انجام نگرفت بلکه با شگفتی تمام، بازگشت تحریم‌ها به سخره گرفته شد و به لفاظی‌های روسیه و چین در غیرمشروع دانستن این بازگشت اکتفا شد. نکته مغفول آنکه بازگشت این تحریم‌ها افزون بر ایجاد فشار اقتصادی مضاعف که آثار خود را در حوادث دی‌ماه 1404 نشان داد، زمینه‌ساز اجماع بین‌المللی بیشتر

به‌خصوص میان آمریکا و اروپا (که در این زمان بر سر موضوع اوکراین اختلاف‌نظر داشتند) و محیط همسایگی ایران شد؛ روندی که نشانگان فشار دیپلماتیک و سیاسی را افزون کرده و در عمل جستجوی راه‌حل‌های جدید را دشوارتر از گذشته کرد.

با در نظرگیری این محورها اگرچه در زمانی که این متن به نگارش درآمد، جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران در جریان است، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز که بنا بر مأموریت جدید اهتمام در بررسی ابعاد رویدادهای مهم را از سال 1403 (پیرو انتشار مقالاتی حول حوادث 7 اکتبر) را در دستور کار قرار داده از ابتدای پاییز 1404 طی فراخوانی، واکاوی ابعاد سیاسی - حقوقی ابعاد جنگ 12 روزه را مدنظر قرار داده و تا پایان دی‌ماه 43 مقاله علمی از طرف پژوهشگران به دفتر مجله واصل شد که بعد از بررسی عمیق و داوری فشرده، درنهایت 12 مقاله موردپذیرش قرار گرفت که 11 مقاله به شرح زیر در شماره زمستان منتشر می‌شود (انتشار یک مقاله به دلیل تأخیر در انجام اصلاحات به شمارگان بعدی موکول شد):

در مقاله نخست، مقامی و همکاران با برجسته‌سازی مفهوم «تهدید وجودی» در چارچوب نگرش کارل اشمیت معتقدند که اسرائیل حملات خود را در خرداد 1404 بر اساس همین نگرش استوار کرده و چون ایران را یک تهدید وجودی در قالب وضعیت استثنایی می‌داند پس نمی‌توان از دامنه حقوق بین‌الملل برای ممانعت از حمله بهره گرفت. نویسندگان نتیجه می‌گیرند رویکرد اسرائیل متأثر از نگرش اشمیت، حقوق بین‌الملل را امری سیاسی می‌دانند نه اخلاقی و هنجاری و در نتیجه حق توسل به زور مورد شناسایی قرار می‌گیرد. با این حال، حقوق بین‌الملل بعد از منشور ملل متحد با محدود کردن توسل به زور به «دفاع مشروع» در مقابل این نگرش قرار گرفته است و حتی در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز تأکید بر آن بوده که ارزیابی ذهنی دولت یا تهدید متصور نمی‌تواند مبنای دفاع پیش‌دستانه باشد.

«دکترین پاسخ نامتقارن و ترکیبی» عنوان مقاله‌ای است که سید علی میرلوحی در آن به تحلیل استراتژی حقوقی - سیاسی ایران در جنگ 12 روزه پرداخته است. این مقاله بر این نظر است که استراتژی ایران یک دکترین نوآورانه مبتنی بر «پاسخ نامتقارن و ترکیبی» در واکنش به حمله اولیه اسرائیل بوده است. انتقال عرصه نبرد از حوزه فیزیکی به سایبری، بهره‌گیری از

نیروهای نیابتی برای فعالیت در منطقه خاکستری و ایجاد ابهام در انتساب مسئولیت و در نهایت هدف‌گیری زیرساخت‌های حیاتی دشمن شاخص‌های این دکت‌ترین است. از دید میر لوحی نتیجه این رویکرد ایران به چالش کشیدن مفاهیم کلاسیک حقوق جنگ و حقوق بشردوستانه و ناکارآمدی نهادی امنیت جمعی بود.

محمدعلی هاشمی با برجسته کردن نقش سازمان‌های اطلاعاتی و مسئولیت کیفری آن‌ها در مقاله‌ای که تلاش می‌کند این عملکرد در زمانه بحران امنیتی را واکاوی کند، معتقد است که افسران اطلاعاتی در برابر کنش‌های خود مسئول شخصی دارند. وی با فراتر رفتن از تئوری‌های کلاسیک که مسئولیت کیفری را برای نهادهای اطلاعاتی لحاظ نمی‌کند بر این دیدگاه است که رویکردهای جدید مبتنی بر جرم‌شناسی انتقادی مسئولیت کیفری سازمان اطلاعاتی را برای جلوگیری از نقض حقوق بشر و در مخاطره افکندن حریم و کرامت انسانی را مورد شناسایی قرار داده که هدف آن پیشگیری از آسیب‌هایی است که ممکن است توسط نهادهای اطلاعاتی و با توجیه امنیت و حفظ نظام سیاسی رخ دهد.

محمدپور و هرسنی در مقاله‌ای پیرامون معیار هدف نظامی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، موضوع حمله به صداوسیما ایران در جنگ 12 روزه را مورد مطالعه قرار داده و معتقدند که فعالیت سیاسی یا تبلیغاتی رسانه نمی‌تواند آن‌ها را در معرض ایده «مشارکت مؤثر در عمل نظامی» قرار دهد. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که شواهد موجود هیچ مشارکت مؤثر نظامی قطعی را در عملکرد صداوسیما نشان نمی‌دهد و حتی در صورت فرض تحقق نظامی بودن هدف، توجه متجاوز به اصول احتیاط و تناسب لازم‌الاجرا بوده است.

فضل‌الله فروغی در مقاله‌ای با رویکرد حقوق بین‌الملل کیفری، به ظرفیت‌ها و چالش‌های فراروی دادگاه‌های ایران در رسیدگی به جنایات بین‌المللی در جنگ 12 روزه پرداخته و معتقد است که شرایط اساسی لازم برای مداخله قضایی دادگاه‌های ایران از طریق اصل صلاحیت سرزمینی وجود دارد اما اعمال این صلاحیت با چالش‌هایی همچون عدم جرم‌انگاری داخلی جرائم بین‌المللی و موانع فراروی استرداد محکومان به کشور مواجه است. از این رو وظیفه قانون‌گذار در این شرایط، رفع این موانع است.

مرتضی اسمعیلی و کیارش حیدری در مقاله‌ای پیرامون جنبه‌های حقوقی کاربست انسداد تنگه هرمز با طرح این ادعا که تصمیم‌گیرندگان با معضل فقدان چارچوبی عملی برای سنجش قانونی بودن، اثربخشی و هزینه - فایده مواجه‌اند، بر این نظرند که فقدان ارکانی نظیر وجاهت قانونی، وضعیت ویژه حقوقی ایران، الزام‌های سیاسی - راهبردی و تضمین منافع اقتصادی می‌تواند موقعیت انسداد تنگه هرمز به‌عنوان بازدارندگی را کاهش داده و زمینه تبدیل تهدید به خودزنی استراتژیک شود.

بررسی مسئولیت بین‌المللی اسرائیل در جنگ 12 روزه محور کانونی پژوهش مختاری و ستایش‌پور است. نویسندگان در این مقاله معتقدند که اسرائیل نه‌تنها به دلیل تجاوز به ایران واجد مسئولیت بین‌المللی مستقیم است بلکه به سبب مساعدت آگاهانه به آمریکا در حمله به ایران دارای مسئولیت اشتقاقی است و از این رو اسرائیل هر دو نوع مسئولیت بین‌المللی را متوجه خود می‌بیند.

قادری و عارفی با اتکا به بررسی و واکاوی قانون مقابله با اقدام‌های خصمانه اسرائیل معتقدند که این قانون بازتابی از راهبرد جمهوری اسلامی در جبهه مقاومت و ابزاری کیفری علیه عادی‌سازی روابط با اسرائیل است. این قانون اگرچه با جرم‌انگاری رفتارهای کنشی تلاش کرده تا مانع از نفوذ اقتصادی - امنیتی اسرائیل در منطقه شود اما فقدان ساختار منسجم، نبود جامعیت برای جرم‌انگاری همه رفتارها و عدم تناسب جرم و مجازات در آن مهم‌ترین ابزارهای فراوی آن است.

معصومه زمانیان و زهرا وطنی در مقاله‌ای که بر بررسی سلاح‌های خودکار مبتنی بر هوش مصنوعی در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه متمرکز بوده معتقدند که استفاده از این سلاح‌ها با توجه به ماشینی بودن و دشواری در تحلیل رفتار آنها رعایت قوانین بین‌المللی جنگی را با چالش مواجه کرده است. از دید آنها در به‌کارگیری این سلاح‌ها کنترل انسانی باید بازتعریف شده تا ضمن رعایت قوانین بین‌المللی از فناوری برای کاهش تلفات جنگی بهره‌برداری شود و این امر می‌تواند به اجرای بهتر اصول کلیدی حقوق بشردوستانه به‌ویژه ضرورت تمایز بین اهداف نظامی و غیرنظامی کمک رساند.

محمدحسین رحیمیان در مقاله با عنوان «مفهوم تاریخی صلح در تورات و قرآن» معتقد است که یهودیت ریشه تمام منازعات را ازلی دانسته و صلح را تاریخ‌محور و در چارچوب نظم درونی و وفاداری به عهد الهی در برتری بنی‌اسرائیل معنا می‌کند. نتیجه این نگاه تقویت رویکرد تبعیض‌آمیز و نژادپرستانه به صلح است. در مقابل اسلام مفهوم صلح را با ترجیح همزیستی مسالمت‌آمیز بر مخاصمه تفسیر کرده و بر هم زدن بی‌سبب پیمان صلح را جایز نمی‌داند. تبلور این دو مفهوم‌سازی در عملکرد حکومت‌های متبوع زمینه‌ساز برداشت آن‌ها از روابط با دیگران است.

و در نهایت صالحی و همکاران در مقاله پیرامون اصلاحات قضایی اسرائیل با بررسی شرایط و پیامدهای بسته اصلاحات قضایی پیشنهادی در اسرائیل معتقدند که صهیونیسم مذهبی و صهیونیسم سکولار در هدف نهایی ایجاد یک کشور یهود امن با یکدیگر اختلاف نظر دارند. با توجه به ساختار جمعیتی اسرائیل تصویب این لایحه به جناح مذهبی و بنیادگرا اجازه خواهد داد قدرت کامل را به دست گیرد و در نتیجه ضمن فراهم‌سازی شرایط برای تجاوز به حقوق اقلیت‌ها زمینه‌ساز تضعیف امنیت حقوقی شود.

در پایان ضمن قدردانی از تمامی پژوهشگرانی که ویژه نویسندگانی که آثار آن‌ها مورد پذیرش نهایی داوران مجله قرار گرفت - که آثار خود را به مجله مطالعات حقوقی ارسال کردند این مجله امیدوار است تا مسیر پیش رو گامی هرچند جزئی در شناخت عمیق و علمی مسائل روز و مبتلابه منافع ملی کشور باشد. بدون تردید با حمایت سردبیر و اعضای محترم تحریریه مجله این مسیر در سال‌های پیش رو نیز تداوم خواهد یافت و امید آن است تا در پرتو تدبیر و آینده‌نگری اجرایی در سطوح عالی کشور، این مجله در آینده میزبان گفتگوهای علمی‌ای باشد که اعتلای نام ایران هدف نهایی آن تعریف شود.

